

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

کلام در اعتبار مکتوبات بود که به تطبیقات حقوقی و در ادامه بحث به مباحث حقوق جزا رسیدیم.

در آیین دادرسی کیفری (مصوب 92/12/4 با اصلاحات 94) از ابتدا که راجع به وظیفه ضابطین دادگستری سخن می گوید در ماده 59 می گوید وظیفه ضابطین این است که اوراق بازجویی از اشخاص را تهیه کنند و اظهارات را مکتوب نمایند.

در ماده 68 می گوید شکواییه شاکی کتبی است و در ماده 69 می گوید اگر شاکی شکایت خود را شفاهی اظهار کند دادسرا موظف است آن را مکتوب کرده و به امضای شاکی برساند.

سپس مقرر می دارد اگر کسانی خواستند به عنوان میانجی بین طرفین قرار بگیرند باید اقدامات و نتایج میانجی گری را مکتوب منعکس کنند. (ماده 83)

همچنین از ماده 100 استفاده می شود که تحقیقات از شهود باید کتبی صورت بگیرد.

همچنین ماده 112 مقرر داشته شاکی راجع به خسارت وارده به وی ناشی از جرم به اگر بخواهد مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بخواهد باید به دادگاه جزا دادخواست کتبی بدهد.

همچنین در ماده 154 همین قانون می گوید متهم می تواند به نوشته، اسناد و مدارک کتبی برای دفاع از خود استناد نماید.

در ماده 160 می گوید قاضی که از کارشناس تحقیق می کند می تواند کتبی یا شفاهی باشد ولی اگر شفاهی باشد بازپرس باید آن را در صورت مجلس قید و آن را در پرونده قرار بدهد.

در ماده 177 آمده احضاریه طبق نامه کتبی است و اگر اظهارات متهم شفاهی باشد بازپرس باید بنویسد و به امضای متهم برساند و اگر متهم باسواد باشد می تواند بگوید خودم اظهاراتم را می نویسم (ماده 199).

در قانون مجازات اسلامی باز به نمونه ای اشاره می کنیم:

1- در ماده 166 می گوید اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می شود. پس کتابت در ردیف تلفظ قرار گرفته است و در عرض هم هستند.

2- در ماده 184 می گوید شهادت باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر با فعل از قبیل اشاره واقع می شود.

3- در ماده 205 میقرر داشته سوگند باید به لفظ باشد و در صورت تعذر با نوشتن یا اشاره ای که گویای مقصود باشد ادا شود؛ در باب سوگند اصل بر شفاهی بودن سوگند است و بین سوگند شفاهی و کتبی قائل به ترتب شده است و اگر از نوشتن هم متعذر بود نوبت به ایما یا اشاره می رسد و در هر صورت قاضی آن را مکتوب می کند که این مکتوب قاضی در مراحل بعدی قابل استناد است.

بنابراین مکتوبات فی الجملة معتبر است و این مسأله در قوانین ماهوی و شکلی مدنی و جزایی بیان شده است. النهایه همانطوری که علم قاضی از نظر رتبه مقدم بر اقرار کاذب است این علم نسبت به اقرار شفاهی و نسبت به اقرار کتبی نیز مقدم است؛ در بینه هم همین طور است که به بینه کاذب ترتیب اثر نمی دهد و این هم به جهت تقدم علم است و فرقی بین بینه کتبی و شفاهی وجود ندارد.

پس به صورت کلی اثبات موضوعات خارجی از جمله اثبات ولایت القضاء و موضوعات در باب قضاء مثل وقفیت و نسب و امثال این ها ممکن است به مکتوب رخ بدهد، منتهی نه علی الاطلاق بلکه فی الجملة؛ این که مکتوبی صرفا موجب ظن به واقعی بشود کافی نیست، این که مکتوبی موجب علم یقینی شود قطعاً کافی است و این که مکتوبی موجب ظن متأخم به علم بشود که از آن تعبیر به علم عرفی یا عادی می شود از منظر مقنن و هم از منظر مباحث فقهی به این جمع بندی رسیدیم که کفایت می کند.

و الحمد لله رب العالمین